

## کلیدواژه‌ها: بافت زبانی، زبان آموزی، محتوای آموزشی

مسئلاً، زبان اصلی ترین ابزار برقراری ارتباط در میان تمام جانداران است. این ابزار متشکل از عناصری ریزتر همچون واژه، ساختار، کارکرد، علائم سجاوندی و نگارشی، خصوصیات زبر زنجیری همچون مکث، آهنگ کلام، تکیه و... است. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا موارد ذکر شده تنها عناصر تشکیل دهنده و انتقال دهنده پیام هستند. عده‌ای معتقدند که واژگان، اصلی ترین عنصر شکل گیری و انتقال پیام هستند. در مقابل، افرادی دیگر می‌گویند زبان و عناصر زبانی درصد کمی از اطلاعات را دربردارند و منتقل می‌کنند و مابقی پیام از «بافت» دریافت می‌شود. حال این سؤال پیش می‌آید که بافت چیست.

در علم زبان شناسی و آموزش زبان دو نوع بافت وجود دارد: ۱. بافت زبانی ۲. بافت موقعیتی.

بافت زبانی شامل عناصر زبانی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. مسلم است که واژه‌ها به خودی خود معنا ندارند و در ارتباط با یکدیگر و با توجه به بافت زبانی‌ای که در آن قرار می‌گیرند، معنی دار می‌شوند. می‌دانیم که واژه‌ها علاوه بر معنای اولیه، معنای ثانویه و ضمنی دارند که این معنای ضمنی و ثانویه براساس بافت زبانی و موقعیت ویژه‌ای که در آن استفاده شده است تغییر می‌کند. برای مثال، کلمه «سر» یک معنای اولیه دارد. عضوی از بدن که محل قرار گرفتن مغز و صورت و گوش و موهاست. اما سر در کلمه «سرخور» دیگر آن معنا را نمی‌دهد. این کلمه به معنای «کسی که سر کسی دیگر را می‌خورد» نیست بلکه به معنای کسی است که بدین و شوم است و با حضورش باعث ناراحتی و نابودی اطرافیان می‌شود. بافت زبانی و موقعیتی بر ارجاعات موجود در گفتار نیز همین تأثیر را دارد که در زیر با مثال توضیح داده می‌شود.

### تأثیر بافت زبانی و موقعیتی بر ارجاعات موجود در گفتار

دیروز حسین به فروشگاه رفت. او در آنجا دوستش محمد را دید. آن‌ها مدت‌ها بود همدیگر را ندیده بودند.  
همان‌طور که در جمله‌های بالا می‌بینید، «او» در جمله دوم به حسین و «آنجا» به فروشگاه ارجاع داده می‌شود. همین‌طور است «آن‌ها» و «همدیگر» که به حسین و محمد اشاره دارند. همچنین قید زمان «دیروز» که با توجه به زمان شکل گیری گفتار قابل تغییر است. حال فرض کنید که شما فقط با جمله... «او در آنجا دوستش محمد را دید» روبه‌رو شوید. به نظر شما، آیا این جمله مفهوم کاملی دارد و خالی از ابهام است؟ آیا شما قادر به درک آن هستید؟

مونا بافته

# بافت زبانی و موقعیتی در شکل گیری و انتقال پیام



به نظر نمی‌رسد که بتوان مفهوم بسیاری از این جمله‌ها را دریافت چرا که او و آنجا و همچنین ضمیر متصل «ش» جزء واژه‌هایی هستند که باید در داخل بافت زبانی به واژه دیگر ارجاع داده شوند تا قابل فهم شوند.

تمام موارد ذکر شده در بالا بیانگر بافت زبانی هستند. علاوه بر بافت زبانی، بافت دیگری به نام بافت موقعیتی هست که به نوبه خود اهمیت بسیاری در شکل‌گیری و انتقال پیام دارد.

بافت موقعیتی شامل موارد زیادی است؛ از جمله: ۱. شرایط روحی، روانی (خستگی، شادابی و سرزندگی، بی‌حالی و...)؛ ۲. شرایط جسمانی (گرسنگی، سیری، درد، بیماری و...) گوینده و شنونده؛ ۳. زبان بدن که شامل حرکات دست، سر و گردن، چشم، ابرو، دهان و لب می‌باشد؛ ۴. مکان و زمانی که گوینده و شنونده در آن قرار دارد و گفتمان در آن شکل می‌گیرد؛ ۵. آداب و رسوم و سنن افراد درگیر در تولید گفتمان؛ ۶. تجربیات و میزان سواد و آگاهی آن‌ها؛ ۷. دانش قبلی گوینده و مخاطب درباره موضوع مورد گفت‌وگو و موارد بی‌شمار دیگر. برای روشن‌تر شدن مطلب، مثالی از بافت موقعیتی در زیر می‌آوریم.

فرض کنید در خانه خود نشسته‌اید و احساس می‌کنید هوا سرد است. با گفتن جمله‌ای از فرزند خود می‌خواهید پنجره را ببندد: «پسرم، پنجره رو ببند.» یعنی، از جمله امری استفاده می‌کنید و به صورت مستقیم از فرزند خود می‌خواهید که پنجره را ببندد. حال فرض کنید در تاکسی نشسته‌اید و احساس سرما می‌کنید. از فرد کناری خود می‌خواهید پنجره را ببندد و به او می‌گویید: «می‌شه پنجره رو ببندید یا ممکنه پنجره رو ببندید.» یعنی، از کارکرد تقاضا کردن به صورت غیرمستقیم و مؤدبانه با کمک فعل حال التزامی بعد از «می‌شه» و «ممکنه» استفاده می‌کنید. چرا که مخاطب شما غریبه است و هرگز نمی‌توانید از یک فرد غریبه درخواست و تقاضای مستقیم داشته باشید. حال فرض کنید در اداره در اتاق خود هستید. از همکاران، که رابطه‌ای دوستانه با شما دارد، می‌خواهید پنجره را ببندد و از جمله «پنجره رو می‌بندی؟» استفاده می‌کنید؛ جمله‌ای پرسشی که در این موارد برای درخواست غیرمستقیم و مؤدبانه از مخاطبی که با شما رابطه دوستی دارد و در عین حال در توزیع قدرت با شما برابر است و رعایت حد و مرز با وی الزامی است به کار می‌رود. حال فرض کنید که در اتاق رئیس خود هستید که از نظر قدرت از شما بالاتر است. در این مورد دیگر شما نمی‌توانید درخواست مستقیم داشته باشید و بهترین روش رسیدن به خواسته‌تان این است که بگویید: «به نظر شما هوای اتاق کمی سرد نیست؟» در این شرایط او می‌فهمد که شما سردتان است و از او می‌خواهید که پنجره را ببندد. تا اینجا، بافت زبانی و موقعیتی به‌طور واضح و ساده معرفی شدند. حال هدف ما از این معرفی چیست؟

فرض کنید ما قصد آموزش زبان را داریم (این امر در مورد آموزش تمام زبان‌ها و در تمام پایه‌ها صدق می‌کند). در تهیه محتوای زبانی ناگزیر به در نظر گرفتن بافت زبانی و بافت موقعیتی هستیم. در غیر این صورت، آموزش ما ناقص خواهد بود و منتهی به یادگیری مجموعه‌ای از واژه‌ها و ساختارهای دستوری خواهد شد؛ بدون اینکه زبان آموز قادر به کاربرد آن‌ها در موقعیت‌ها و بافت‌های متفاوت باشد.

آنچه در تهیه محتوا و ارائه آن، به‌خصوص در مقاطع اولیه آموزشی (پیش‌دبستان)، اهمیت دارد این است که تهیه محتوا و نحوه آموزش آن باید براساس دو بافت بالا به‌ویژه بافت موقعیتی (یعنی موقعیت زمانی و مکانی و فردی که زبان و گفت‌وگو در آن رخ داده است) صورت گیرد. به تهیه‌کنندگان محتوا در پیش‌دبستان پیشنهاد می‌شود که در تهیه محتوا ابتدا موقعیت ویژه‌ای را در نظر بگیرند و براساس آن عناصر زبانی (واژه، ساخت، کارکرد و...) مخصوص آن موقعیت را انتخاب کنند. سپس این عناصر زبانی را در بافت موقعیتی مناسبی قرار دهند و براساس آن‌ها به تهیه محتوا بپردازند. این امر باعث می‌شود که بافت زبانی مناسبی با آن بافت موقعیتی به‌صورت خود به خود تهیه شود و سامان یابد. برای روشن شدن مطلب نمونه‌ای را ذکر خواهیم کرد. فرض کنید شما قصد آموزش موقعیت مدرسه را دارید. واضح و مسلم است که کار اصلی در مدرسه یادگیری و یاددهی می‌باشد. بنابراین، در انتخاب واژه می‌توانیم واژه‌های مربوط از قبیل نام قسمت‌های مختلف در مدرسه، ابزار و وسایل موجود در مدرسه و کلاس درس، افراد و سمت‌های موجود در مدرسه مانند مدیر، معلم و...، کارهایی که در مدرسه انجام می‌شود مانند بازی کردن، درس خواندن و نقاشی کشیدن، و ساختارهای مهم همچون فعل امر و جملات پرسشی و کارکردهایی مانند تشکر، سلام و احوال‌پرسی و تقاضا کردن را در محتوای تهیه شده خود لحاظ کنیم.

نمونه دیگر اینکه شما قصد آموزش موقعیت بازار را دارید. همه می‌دانیم که بازار مهم‌ترین مکان برای خرید و فروش است. بنابراین، واژه‌هایی همچون نام انواع کالا، مغازه‌ها و شغل افرادی که در آن‌ها کار می‌کنند، شاخص‌هایی همچون کیلو، بسته و پاکت و ساختارهای دستوری مانند جملات پرسشی برای پرسیدن وزن و قیمت و کارکرد تقاضا کردن را آموزش می‌دهید.

در رابطه با موقعیت بازار می‌توانید طرح درس خود را چنین تهیه کنید:

#### موقعیت: بازار

واژه‌های جدید: بقالی. ماست (سطل)، کره (قالب)، ماکارونی (بسته) و ...

ساختار: کلمه پرسشی «چنده» و «یا»ی وحدت. ماکارونی



## کلیدواژه‌ها: نقاشی، گیوسپ آرجم بولدو، طبیعت

آرجم بولدو (۱۵۹۳-۱۵۲۷) در شهر میلان متولد شد. این نقاش ایتالیایی از یک خانواده بسیار برجسته میلانی برآمد که تعدادی از اسقف‌های اعظم نیز در آن پرورش یافته‌اند. وی اولین بار در ۲۱ سالگی با کار و همراهی با پدرش برای اسقف میلان، کارهای خود را مستند ساخت. پدرش، باجاجیو<sup>۲</sup> نیز هنرمندی اهل میلان بود. آرجم بولدو در سال ۱۵۶۲ به‌عنوان نقاش و طراح در دادگاه به استخدام درآمد و در مسابقات مختلفی نیز روش‌شناسی سنتی را با طرح‌های زیبا و ظریفی آمیخته کرد و از شهرت بسیاری برخوردار شد. وی بعد از طراحی پرترهایی از سر انسان، که از اشیاء متنوع - به‌صورت طبیعی و دست‌ساز - درست می‌کرد، توجه رقبای مختلف را در طراحی و نقاشی به خود جلب کرد. بسیاری از این نقاشی‌ها که در دادگاه رودالف دوم خلق شده بودند، او را به فردی بسیار برجسته مبدل نمودند، به‌طوری‌که در بسیاری از فستیوال‌ها و جشنواره‌های ایالتی با استقبال بسیار مواجه شد. وی نیز مانند **لئوناردو داوینچی** (خالق تابلوی لیخند ژو کوند) به موضوعاتی در علوم و هنر علاقه‌مند بود و در اوقات فراغت خود به طراحی ماشین‌های هیدرولیک، موسیقی و خلاقیت‌های دیگر می‌پرداخت ولی بیشتر به‌خاطر نقاشی‌های غیرمعمول و خلاقش مشهور شد.

این نقاش ایتالیایی با خلق پرترهایی از سر و صورت و با استفاده از میوه‌ها، گیاهان، موجودات دریایی مثل ماهی، ریشه‌های درختان، کتاب‌ها و دیگر مواد طبیعی یا بی‌جان طرح‌هایی بسیار تخیلی و جذاب خلق نمود. این آثار که مجموعه‌ی زیبایی را شامل می‌شوند و با پیچیدگی و ظرافت خاصی شباهت خارق‌العاده‌ای با موضوعات و اشیاء به‌دست می‌دهند، امروزه به‌عنوان منبعی از آثار شگفت‌انگیز شناخته شده‌اند.



بسته‌های چنده؟ (یعنی یک بسته ماکارونی چند است؟) یا کره قالبی چنده؟ (یعنی یک قالب کره چنده؟)

**کارکرد:** می‌شه به قالب کره بهم بدید/ ممکنه به قالب کره بهم بدید/ لطفاً به قالب کره بدید.

همان‌طور که می‌بینید، با انتخاب موقعیت مکانی خود به راحتی توانستیم شبکه‌ی واژگانی مناسب را انتخاب کنیم و ساختارها و قواعد دستوری و کارکردهای مناسب با آن موقعیت را آموزش دهیم. برای مثال، شما می‌توانید در یک درس از واژه‌های مربوط به نام اشیاء موجود در کلاس استفاده کنید و ساختار مورد نظر خود را به کمک کلمه‌های پرسشی همچون «این چیه؟ اسم این چیه؟ این مال کیه؟» جمله‌های پرسشی قرار دهید و کارکرد تقاضا کردن را انتخاب کنید. البته در این زمان شما باید مخاطبان خود را در نظر بگیرید. چرا که رابطه‌ی مخاطب و گوینده با یکدیگر، چگونگی و میزان قدرت و سمت و مقام اجتماعی هر یک نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب واژه‌ها و ساختار دارد. برای مثال، طرز و شیوه‌ی صحبت کودک با معلم خود بسیار متفاوت با شیوه‌ی صحبت وی با دوستان یا پدر و مادر خود است.

در نهایت، می‌توان به تهیه‌کنندگان محتوای زبانی در مقطع پیش‌دبستان (و سایر مقاطع) پیشنهاد کرد که در ابتدا بافت موقعیتی خود را انتخاب کنند و براساس آن به انتخاب عناصر زبانی بپردازند. عناصر زبانی همچون واژه‌ها و ساختار به خودی خود انتقال‌دهنده‌ی میزان کمی از پیام هستند. بافت موقعیتی که زبان در آن جاری می‌شود بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری و انتقال پیام مورد نظر دارد. چرا که بهترین آموزش زبانی، آموزشی است که در آن زبان و عناصر زبانی با توجه به بافت اجتماعی و در موقعیت‌های کاربردی خاص آموزش داده شوند.

همچنین، شما مربیان عزیز پیش‌دبستانی با توجه به بافت مربوطه به انتخاب روشی مناسب برای آموزش آن اقدام کنید. به بیان دیگر، اگر شما بدانید که قرار است آن گفتمان در چه موقعیت مکانی و زمانی و با چگونه مخاطبی رخ دهد، به راحتی می‌توانید روشی مناسب در آموزش خود اتخاذ کنید و ابزار آموزشی خود را برای آن محتوا تهیه کنید و به کمک آن‌ها آموزش خود را پربارتر سازید.

### منبع

۱. عصاره، فریده و مونا بافته؛ زبان‌آموزی کودکان پیش‌دبستانی (با تأکید بر زبان دوم و مناطق دوزبانه). انتشارات مدرسه؛ ۱۳۹۱.